

نوع پوشش در عصر جاهلی و پس از آن

اسلام با تبیین الگویی صحیح از حجاب سعی داشته تا سبکی متعالی را در این زمینه ارائه دهد. در نوشتار پیش رو برآنیم تا نگاهی ...



خبرگزاری مهر-گروه دین و اندیشه: اسلام با تبیین الگویی صحیح از حجاب سعی داشته تا سبکی متعالی را در این زمینه ارائه دهد. در نوشتار پیش رو برآنیم تا نگاهی به نوع پوشش در عصر جاهلیت عرب و پس از آن بیندازیم. اگر مقصود از حجاب تنها پوشانیدن تن و بدن باشد باید گفت این مساله قبل از ظهور اسلام نیز وجود داشته و در دوران های مختلف تاریخی همه حاکمیتها با تکیه بر اصل اخلاق به نوعی از حجاب و پوشش تاکید داشته اند، اما این توجه و تاکید تنها حائز جنبه اخلاقی و یا به تعبیر بهتر اجتماعی بوده است. اما با ورود اسلام، تبیین آموزه های دینی، معجزه قرار گرفتن قرآن و تغییر و تحولاتی که پیامبر(ص) در خصوص آداب غلط عصر جاهلی اتخاذ کردند باعث آن شد تا در زمینه پوشش و حجاب نیز تغییراتی ایجاد شود.

در این عصر، حجاب و پوشش علاوه بر تاکید بر اصل اخلاقی، با تکیه بر اصل تقوا، کرامت انسانی، حدود اخلاقی و قیود فرهنگی مطرح می شود. واز آنجا که در اسلام برای هر امر مدارجی در نظر گرفته می شود در خصوص حجاب و پوشش نیز همین امر مصداق می یابد به نحوی که در قرآن کریم یکی از اهداف پوشش و حجاب طی مدارج کمال برای زنان در درجه نخست و سپس مردان در نظر گرفته شده است. اسلام با تبیین الگویی صحیح از حجاب سعی داشته تا سبکی متعالی را در این زمینه ارائه دهد.

گفته شده لباس عرب در زمان جاهلیت مثل همه چیز آنها ساده بود. عربهای آن روز قبا و شلوار نمی پوشیدند، لباس آنان پیراهن بلند سرتاسری، عمامه و عبا و یا رداء بوده است، سپس شلوار و قبا را از ایرانیان گرفتند و به کار بردند، عربها کفش و چکمه نداشتند. فقط بعضی از اشخاص محترم گاهگاه کفش می پوشیدند، پیراهن عربها معمولا کوتاه بوده و تا روی زانو می آمده است و شمشیرها را حمایل می کردند.

بهترین نمونه لباس عرب، لباس حضرت رسول اکرم (ص) می باشد، به طوری که نوشته شده پیامبر برد را دوست داشتند و برد تن می کردند به خصوص بردی که رنگ آن قرمز و آستینش کوتاه بود و تا مچ دست می رسید، گاه هم جامه قرمز رنگ می پوشیدند و روی آن ردای کوتاهی بر می کردند که تا زانو می رسید و چکمه و کفش پا می کردند. پیامبر به شدت از جامه بلند تنفر داشتند و همواره پوشیدن آن را نهی فرموده اند ایشان می گفتند: لباسی که روی زمین کشیده شود علامت تکبر و غرور پوشنده است و باید در آتش افکنده شود.

در جامعه عرب معمولا بزرگان قوم لباس های نو و تازه برتن می کردند و سایرین پیرو آنها می شدند، وچنانکه گفته شده معاویه و عمال معاویه پیش از دیگران تجملات ایرانیان را معمول ساختند، به طوری که زیاد ابن ابیه امیر عراق به عادت و رسم ایرانیان قبا ی حریر می پوشید و چکمه های ساخت بصره پا می کرد.

کم کم سایر امویان جامه های حریر و ابریشم پوشیدند و و مردم هم در پوشیدن پارچه های گلدار پر نقش و نگار از آنان تقلید نمودند و بسیاری از لباس های رومی را نیز معمول داشتند اما چون می خواستند سادگی خود را نگاه دارند درعین حال مانند قبل عمامه سر می گذاشتند و شمشیر را روی کتف می انداختند.

در دوره عباسیان که همه کارها بدست ایرانیان افتاد عربها در بسیاری از آداب و رسوم و از آن جمله لباس پوشیدن پیرو ایرانیان شدند و به طور رسمی از اوایل حکومت عباسیان مقرر گردید بطرز ایرانیان لباس پوشیده شود. منصور در سال 153 هجری به رجال دولتی فرمان داد به جای عمامه، قلنسوه (نوعی کلاه ایرانی) سربگذارند. این کلاه، کلاهی دراز بود که آن را با چوب های نازک از نو مرتب می ساختند. منصور هم چنین دستور داد تا عربها مانند ایرانیان شمشیر را به کمر ببندند و همان طور که جامه سفید شعار امویان بود، عباسیان جامه ی سیاه رنگ را شعار خود قرار دادند و هرکس بر خلیفه عباسی وارد می شد مجبور بود روپوش سیاهی بپوشد که آن را سواد می گفتند.

منصور رجال دولتی را وادار کرد جبه های سیاهی بپوشند که روی آن این آیه نقش بسته بود (فسیکفیکهم الله وهو السميع والعليم). منصور به عمال خود فرمان داد تا در سراسر ممالک اسلامی این نوع لباس پوشیدن مرسوم شود. از آن روز عربها به تقلید ایرانیان لباس بر کردند، به خصوص دولتیان که مثل ایرانی ها قبا و شلوار و جوراب و طيسان و چکمه و..... می پوشیدند. اما توده ی مردم همان لباس قدیم عرب را به تن داشتند سپس هر دسته و طبقه ای لباس مخصوصی پوشیدند. فقیهان و عالمان عمامه ی سیاه آستررداری داشتند و جبه سیاه می پوشیدند. نخستین کسی که لباس عالمان را به این شکل در آورد ابویوسف قاضی هارون بود. او

مقررکرد قاضیان کلاه بلند سر بگذارند و جبه نازک بپوشند که البته این شکل لباس با توجه به موقعیت و شرایط زمانی تغییر می کرد.